

گفت‌و‌گو با شهرام مکرری به مناسبت اکران فیلم «ماهی و گربه» و استقبال از آن

مهندسی برای دورزدن زمان و مکان

فرهیختگان : شهرام مکرری ازجمله فیلمسازان خوشفکر و پیشروی سینمای کشورمان در سالیان اخیر است.او که بافیلم‌های کوتاهش تحسین جشنواره‌های جهانی را برانگیخت و به‌عنوان یک استعداد خوش‌آتیبه معرفی شد، در زمینه ساخت فیلم‌های بلند هم بافرم‌های متفاوتش به فیلمسازی خارج از چارچوب‌های محدود و رایج سینمای کشورمان بدل شده است. نخستین فیلم بلند مکرری با نام «اشکان، انگشتر متبرک و چند داستان دیگر» هم به‌رغم ساختار و فرم نامتعارف و دیدنی‌اش، هنوز فرصت اکران عمومی را نیافته است. اما دومین فیلم بلند او یعنی «ماهی و گربه» این‌روزها در طرح سینمایی جدید «هنر و تجربه» برپرده

سینماهاست. فیلمی که بحث و جدل‌های فراوانی را برانگیخته و مخالفان و موافقان پرشماری دارد. به این بهانه با شهرام مکرری به گفت‌و‌گوشسته‌ایم:

■ ■ ■

■ در زمانه‌ای که اغلب فیلم‌های سینمای ایران با نوعی رخوت مواجه شده و بی‌سر و صدا اکران می‌شوند و بی‌آنکه بحث و جدلی برانگیزند از پرده پایین می‌آیند، «ماهی و گربه» بحث‌های داغی را ایجاد کرده و طیف متفاوتی از نظرها‌ی مثبت و منفی را میان علاقه‌مندان جدی سینما شکل داده است. نظر خود شما در این‌باره چیست؟

همواره از بحث و جدل درباره فیلم‌هایم استقبال کرده‌ام و نقد و نظر‌های منفی را هم با دقت دنبال می‌کنم. به نظرم برآیند نظرات مثبت و منفی می‌تواند من را در بهبود کیفیت کار و دانستن نقاط ضعف و قوت یاری کند. با برخی منتقدان و مخاطبان جدی که فیلم را دوست نداشته‌اند صحبت کرده و نظرات‌شان را مورد توجه قرار داده‌ام، همان‌گونه که موافقان فیلم هم با توصیف برداشت‌های خود از فیلم به من کمک زیادی کرده‌اند.

■ **ایده فیلم «ماهی و گربه» از کجاشکل گرفت؟**
همواره در فیلم‌هایم به موضوع فرم اهمیت داده‌ام و این نکته را در فیلم‌های کوتاه‌هم نیز می‌بینید. از طرفی نقاشی‌های موریس اشِر، معمار و نقاش هلندی نیز تأثیر زیادی روی ذهنم گذاشته است؛ نقاشی‌هایی که به نوعی از حالت بودعدی خارج می‌شوند و به لازمان و لامکان می‌رسند. از سوی دیگر ظهور عصر دیجیتال و امکاناتی که فیلمبرداری به این شیوه در اختیار فیلمساز قرار می‌دهد مرا بر آن داشت تا به تجربه‌ای دست بزنم که فیلمی با روایت تودرتو و با مهندسی و طراحی دقیق بسازم که در یک برداشت واحد، با رفت و برگشت‌های زمانی پیش برود. با این ذهنیت از مدت‌ها پیش طرح و ایده اولیه ساخت فیلمی با این مختصات در ذهنم وجود داشت.

■ **در «ماهی و گربه» و همچنین فیلم‌های کوتاه و بلند قبلی‌تان علاقه به مهندسی دقیق و ساختار ریاضی و محاسبه‌شده روایت را به نمایش گذاشته‌اید.**

این نکته از آنجا ناشی می‌شود که خودم ذهنیتی به‌شدت ریاضی‌وار دارم و همواره با

محاسبات دقیق ریاضی یا آن‌گونه که شما می‌گویید مهندسی‌شده فیلم می‌سازم. معتقدم ریاضی مهم‌ترین و جذاب‌ترین دانش بشری است و برپمنای آن می‌توان همه موارد زندگی را مدیریت کرد. رابطه میان هنر و ریاضی همواره برابرم جذاب بوده است.

■ **در «ماهی و گربه» نوعی ادای دین به فیلم‌های ژانر وحشت هم دیده‌می‌شود؛ چه در فضا سازی و چه در استفاده از عناصر و کلیشه‌های ژانر وحشت. در حقیقت شما از اغلب عوامل و عناصر کلیدی این ژانر برای خلق موقعیت‌های نمایشی استفاده کرده‌اید. به‌شکلی که این عناصر را در بطن فیلم پرورش می‌دهید و تا مرز رساندن مخاطب به لحظه هراس پیش می‌روید و در همان موقعیت لبه مرز نگاه می‌دارید. یعنی مخاطب را با استفاده از این کلیشه‌ها آماده ترسیدن می‌کنید اما در نهایت او را نمی‌ترسانید.**

ژانر وحشت همیشه یکی از گونه‌های مورد علاقه من در تجربه تماشای فیلم بوده است. به‌ویژه زیر شاخه اسلشر و گونه‌ای از فیلم‌های ترساک که مثلاً گروهی جوان به منطقه‌ای متروکه می‌روند که بیشتر در آنجا اتفاقات ناگوار ی رخ داده و خیلی‌ها از رفتن به آن مکان هراس دارند و بعد یکی‌یکی برایشان اتفاقاتی می‌افتد. کوشیدم از عناصر و کلیشه‌های امتحان پس‌داده این نوع از فیلم‌ها استفاده کنم اما همان‌گونه که اشاره کردید قصد ترساندن مخاطب را نداشتم. بیشتر هدفم جلب‌توجه تماشاگر از همان ابتدای فیلم بوده و اینکه ببینیم قدرت می‌توان با این عناصر مخاطب را با فیلم همراه کرد و در انتها به نتیجه متفاوتی دست یافت. اغلب این‌گونه فیلم‌ها در تیتراژ ابتدایی به این نکته اشاره می‌کنند که فیلم برگرفته از اتفاقات و حوادث واقعی است. درست‌یا غلط این ادعا را نمی‌دانم و مهم هم نیست. آنچه مهم است تأثیری است که این اشاره در ذهن مخاطب می‌گذارد. به همین دلیل در ابتدای فیلم متنی قرار دادم که این‌گونه القا می‌کرد که فیلم براساس داستانی واقعی ساخته شده است. فضای جنگل و دریاچه و جو حاکم بر آن محیط هم مخاطب را به سمت نوعی هراس سوق می‌دهد.

■ **در طول فیلم اشاره‌ها و ارجاعاتی به شمالیها و گونه‌های مختلف سینمایی هم دیده می‌شود. چه مقدار از این رویکرد آگاهانه و عمدانه بوده است؟ اساسا چقدر به عناصر سینمایی و فیلم‌های آشنای سینما جاع داده‌اید؟**

به‌عنوان یک فیلم‌بین حرفه‌ای طبیعی است که با انواع گونه‌ها و فیلم‌های مهم سینما آشنا باشم. طبعاً در جاهای مختلفی هم از فیلم‌هایی که دیده‌ام و در ذهنم نقش بسته، استفاده کرده‌ام. اما این استفاده آگاهانه و به قصد ارجاع یا ادای دین به فیلم خاصی نبوده و حس کرده‌ام که فلان موقعیت آشنای سینمای در این نقطه از سیر روایت به ساختار کلی فیلم می‌آید و هماهنگی دارد و از چارچوب قواعد ساخته‌شده فیلم بیرون نمی‌زند.

تصویر و صدا هم با استقبال قابل‌

توجهی همراه بود و عده‌ای ایستاده در کنار سالن‌ها یا نشسته روی زمین فیلم را دیدند. اما در نقطه مقابل فیلم «ماهی و گربه» در جشنواره‌های معتبر بین‌المللی بیش از حد انتظار قدر دید و بر صدر نشست. آلیسا سایمون منتقد مجله معتبر روایتی درباره «ماهی و گربه» نوشت: «اصالتی سطح بالا، نمایش برجسته‌ای که اجبار به دیدن می‌کند. شجاعت فیلمبرداری در یک فضای سیال و شناور و کارگردانی که استعداد ویژه‌ای دارد.» نخستین موفقیت جهانی فیلم در هفتادمین دوره جشنواره معتبر ونیز ایتالیا رقم خورد. این فیلم شهرپورماه پارسال در بخش افق‌های جشنواره ونیز به نمایش درآمد و برنده جایزه ویژه ناواری هیات داوران بخش افق‌های نو شد. تحسین فیلم در جشنواره ونیز باعث شد سفرهای دور و دراز فیلم در جشنواره‌های بین‌المللی آغاز شود و جوایز قابل توجه و پرشماری به آن تعلق گیرد.

آبان ماه پارسال «ماهی و گربه» به‌عنوان یکی از ۱۲ فیلم برگزیده در بخش مسابقه جشنواره لیسون پرتغال به نمایش درآمد و جایزه بهترین فیلم

به این ترتیب و بی‌آنکه قصد ارجاع داشته باشم یا فیلم یا لحظه خاصی مدنظرم باشد از این عناصر استفاده کرده‌ام.

■ **ساخت فیلمی به‌صورت سکانس پلان و در مدت‌زمان حدود دو ساعت و بدون قطع، بی‌شک کار دشواری بوده که به آن دست زده‌اید. در مورد این تجربه بگویید.**

ابتدا چند موقعیت داستانی مجزا روی کاغذ خلق و بعد سعی کردم حلقه‌های ارتباطی میان این موقعیت‌ها ایجاد کنم. سپس با طراحی یک فضای ثابت و چپش این موقعیت‌ها در امتداد یکدیگر به یک شمای کلی، دقیق و محاسبه‌شده دست یافتم که با پیدا کردن لوکیشن مناسب در دهنم شکل گرفت.

■ **اتفاقا به‌نظر می‌رسد یکی از نقاط ضعف «ماهی و گربه» همین ضعف در ایجاد حلقه‌های ارتباطی میان موقعیت‌های روایتی متوالی باشد. خرده‌داستان‌ها به‌شکل مستقل و منتزع نسبت‌اجدا بنده‌ام در همین توالی این موقعیت‌ها پشت‌سرهم به‌نظر می‌رسد و سواست وقتی‌که در ایجاد فرم و ساختار کلی داشته‌اید به چشم نمی‌خورد.**

به نظرم صرف چیده‌شدن این موقعیت‌ها در کنار یکدیگر توجیه منطقی کافی را داشته باشد. به هرحال ما در یک ساختار کلی چند خرده‌روایت مستقل داریم. از این منظر به‌نظرم می‌رسد روند کلی پیشبرد موقعیت‌های داستانی منطقی است. ما در چند خرده‌داستان، رفت و برگشت‌های زمانی البته بیشتر به این دلیل که هرکدام که مرتکب اشتباهی می‌شدند، ما ناگزیر بودیم فیلمبرداری را از ابتدا آغاز کنیم.

■ **در فیلم به موضوعاتی از قبیل جهان‌های موازی هم اشاره دارید. چه مقدار به این موضوع پرداخته‌اید و تا چه میزان دغدغه ذهنی خود شما بوده است؟**

در بسیاری از فیلم‌های مهم تاریخ سینما به موضوع جهان‌های موازی اشاره شده است. وجود و احتمال حضور بعدها‌ی گوناگون و جهان‌های موازی از دغدغه‌های فکری‌ام بوده و کوشیده‌ام به شکلی نهنچندان محسوس ولی علنی به این نکته هم اشاره کنم.

■ **ساخت چنین فیلمی با این ساختار مهندسی‌شده و دقیق**

قطعا کار دشواری بوده، به‌ویژه آنکه بازیگران پرشماری هم در فیلم حضور دارند. اما به نظر می‌رسد بازی‌های فیلم یک‌دست نیست و برخی بازیگران جوان فیلم در ارائه نقش‌هایشان موفق عمل نکرده‌اند. نظر خودتان چیست؟ اساسا چه روشی را برای هدایت و آماده‌سازی بازیگران در این فیلم به کار برده‌اید؟

ما برای آماده‌سازی بیش از یک ماه در تهران جلسات تمرین و دورخوانی داشتیم که در همین جلسات تصویربرداری آزمایشی و زمان‌بندی هم انجام شد و به زمان تقریبی فیلم هم دست یافتمیم. سپس نزدیک به یک ماه هم در محل لوکیشن

سه‌شنبه ۲۹ مهر ۱۳۹۳ ■ شماره ۱۵۰۴



فیلم «ماهی و گربه»

محمود کلاری و پسرش کوهیار که مسئولیت فیلمبرداری را برعهده داشتند، به درستی اشاره کردند که راه رفتن روی این زمین خیس و گلی با دوربین فیلمبرداری و حفظ تعادل سخت‌تر و کندتر می‌شود. به همین دلیلی و همچنین به دلیل دشواری حرکت در این سطح گلی و سختی حفظ راکورد و مکان ایستادن و حرکت بازیگران، زمان فیلم به ۱۳۰ دقیقه رسید. فیلمبرداری این کار با توجه به ساختار دقیق و محاسبه‌شده و باریدن باران و سختی حرکت فیلمبردار در زمین گلی، کار دشواری بود که به نظرم محمود و کوهیار کلاری به خوبی از عهده آن برآمده‌اند.

■ **با توجه به موفقیت‌های جهانی فیلم «ماهی و گربه» و همچنین فیلم‌های کوتاه قبلی‌تان، قصد تجربه فیلمسازی در خارج از کشور را ندارید؟**
چرا، اتفاقا پس از نمایش موفق فیلم در جشنواره ونیز و چند جشنواره بین‌المللی دیگر، چند کمپانی و استودیوی فیلمسازی جهانی پیشنهاد خرید امتیاز بازرسانی فیلم و ساخت آن را در خارج از کشور دادند. اما من اعلام کردم که اگر قرار باشد چنین اتفاقی بیفتد، ترجیح می‌دهم خودم آن را کارگردانی و اجرا کنم که پیشنهادم مورد موافقت قرار گرفت. هنوز چیزی قطعی نشده اما احتمال آن وجود دارد که در صورت فراهم آمدن شرایط قرار بود زمانی کمتر از ۱۲۰ دقیقه داشته باشد. اما زمانی که تصمیم به فیلمبرداری گرفتم، باران بارید و با گلی شدن محوطه، کار برای فیلمبرداری دشوار شد.

بله، علی‌رغم تمرین‌ها و دورخوانی‌های مفصلی که به آن اشاره کردم، ساختار سکانس پلان و فیلمبرداری بدون قطع مقداری کار را دشوارتر می‌کرد. یک بار تقریباً نود دقیقه از کار را تصویربرداری کردیم که یکی از بازیگران مرتکب اشتباهی شد و ما ناگزیر شدیم فیلمبرداری را فرادی آن روز و از ابتدا آغاز کنیم. در مجموع پس از یک ساه تمرین در لوکیشن، سه روز متوالی فیلمبرداری کردیم که با توجه به اشتباه‌های احتساب ناپذیر رخ داده، در سومین روز به برداشت کامل و نهایی دست یافتمیم.

■ **حضور در فضای جنگلی و بارانی لوکیشن فیلم‌مشکلی برای شما ایجاد نکرد؟**

چرا، ابتدا طبق محاسباتی که انجام داده بودیم فیلم قرار بود زمانی کمتر از ۱۲۰ دقیقه داشته باشد. اما زمانی که تصمیم به فیلمبرداری گرفتم، باران بارید و با گلی شدن محوطه، کار برای فیلمبرداری دشوار شد.



برگزار می‌شود هرساله تعدادی از فیلم‌های موفق ایرانی را در برنامه نمایش خود جا داده و در پایان جایزه «تیتک» به‌عنوان جایزه اصلی جشنواره به بهترین فیلم تعلق می‌گیرد. جشنواره فیلم «دیدار» تاجیکستان هم در اواخر ماه میزبان «ماهی و گربه» است. این جشنواره در کشور تاجیکستان برگزار می‌شود و در ششمین دوره آن علاوه‌بر «ماهی و گربه»، فیلم مستند «نینجای ایرانی» ساخته مرجان ریاحی را هم در بخش مسابقه مستندهای خود نمایش خواهد داد. «ماهی و گربه» که در ابتدای همراه در جشنواره‌های سیتگس اسپانیا و ونکوور کانادا به نمایش درآمد، این ماه را با حضور در پنج فستیوال سینمایی به پایان خواهد رساند. «ماهی و گربه» به محصول ایران نوین فیلم ایران و بخش جشنواره جهانی دیگر نیز حضور یافته است. جشنواره فیلم اسلو در بیست و چهارمین دوره خود پذیرای «ماهی و گربه» به کارگردانی شهرام مکرری و یکی از ۱۵ فیلم بخش مسابقه است. این جشنواره که مهم‌ترین جشنواره نروژ و یکی از مهم‌ترین فستیوال‌های اروپایی به شمار می‌رود هر سال در اوایل فصل پاییز برگزار می‌شود. چهارمین دوره فستیوال فیلم‌های ایرانی در استرالیا میزبان بعدی فیلم «ماهی و گربه» است. این دوره از جشنواره که به دبیری آرمین میلادی در شهرهای مختلف استرالیا

شانزدهم فروردین برگزار شد، دو جایزه دیگر به این فیلم اهدا شد. این دو جایزه عبارت بودند از جایزه بهترین فیلم از نگاه قداسیون جهانی منتقدان (فبیرشی) و جایزه بهترین فیلم هیات داوران جوان جشنواره فرایبورگ.

حضور به‌عنوان تنها فیلم ایرانی در جشنواره کارلووی‌واری از جمله دیگر افتخاراتی است که «ماهی و گربه» در عرصه جهانی به دست آورده است. به‌همین‌ها ختم نمی‌شود. در همین روزهای پایانی مهرماه فیلم در سه جشنواره جهانی دیگر نیز حضور یافته است. جشنواره فیلم اسلو در بیست و چهارمین دوره خود پذیرای «ماهی و گربه» به کارگردانی شهرام مکرری و یکی از ۱۵ فیلم بخش مسابقه است. این جشنواره که مهم‌ترین جشنواره نروژ و یکی از مهم‌ترین فستیوال‌های اروپایی به شمار می‌رود هر سال در اوایل فصل پاییز برگزار می‌شود. چهارمین دوره فستیوال فیلم‌های ایرانی در استرالیا میزبان بعدی فیلم «ماهی و گربه» است. این دوره از جشنواره که به دبیری آرمین میلادی در شهرهای مختلف استرالیا

نگاهی به فیلم «ماهی و گربه»

ترس، عشق و چندداستان دیگر

«ماهی و گربه» یک تجربه منحصر‌فرد و دستاوردی مهم برای سینمای رخوت‌زده ایران به شمار می‌رود. شهرام مکرری در دومین تجربه فیلمسازی بلند خود با بهره‌گیری از فرمی مهندسی‌شده و ساختاری دقیق با محاسبات ریاضی، فیلمی ساخته که می‌تواند مسیر تازه‌ای در سینمای آلوده به تکرار و ساده‌انگاری کشورمان بگشاید.

مکرری در «ماهی و گربه» با بهره‌گیری از عوامل و عناصر امتحان پس‌داده ژانر وحشت در سینمای جهان بازی می‌کند و از خلال این بازی با الگوهای آشنا به نتایجی متفاوت می‌رسد. فیلم برخی از این عوامل و کلیشه‌ها را در قالب خرده‌داستان‌های فرعی پرورش می‌دهد و مخاطب را تا لبه خط هراس پیش می‌برد اما او را نمی‌ترساند، چراکه دنبال دستیابی به نتایجی متفاوت و دیگرگونه است. فیلم کار خود را پیش از نمایش و تجربه تماشا با مخاطب آغاز می‌کند.

همه عناصر از پوستر و عکس‌ها و شواهد جنیی این‌گونه بر می‌آید که با فیلمی در ژانر وحشت مواجهیم اما درنهایت و با حضور گروه موسیقی محبوب پالت در صحنه و اجرای یک قطعه ترانه کاملاً متفاوت از حال هوای فیلم، تماشاگر در می‌یابد که از کارگردان رودست‌خورده و به‌بهانه تماشای فیلمی ترسناک، با یک تجربه سخت و دشوار از ناواری در فرم و تنظیم محتوا در قالب فرمی نامتعارف دست و پنجه نرم کرده است. اجرای یک سکانس پلان صدوسی دقیقه‌ای بدون قطع و برش که تازه در جاهایی با رفت و برگشت‌های متوالی زمانی و صدا‌های تکرارشونده خارج از قاب همراه است در سینمای ایران یک تجربه تازه و دستاوردی سخت و پرمارث است.

سینمای ایران به لحاظ سخت‌افزاری عملاً امکان اجرای چنین ایده بلندپروازانه‌ای را ندارد و به همین دلیل بسیاری از فیلمسازان نوجو و خوش فکر از همان ابتدا از تجربه‌گرایی می‌هراسند و عطای خلاقیت و ناواری در سینمای ایران را به لقایش می‌بخشند. اما فناوری فیلمبرداری دیجیتال در کنار اهنگینی مهندسی‌شده و به‌شدت متکی بر الگوهای ریاضی، مکرری را به انجام کارهایی کمتر تجربه‌شده ترغیب می‌کند.

مکرری به حکم فیلم‌های کوتاه درخشانی چون «توفان سنجاقک»، «آندوسی» و «محدوده دایره» و همچنین فیلم بلند کمتر دیده‌شده‌اش «اشکان، انگشتر متبرک و چند داستان دیگر» به دنبال راهکارهایی سینمایی است تا محتوا را در خدمت فرم مودرن‌تر خود درآورد، کاری که در سینمای به‌شدت متخواره‌ما کم‌تر کسی جسارت یا جوسله رفتن به سراغ آن را دارد. پرداختن به موضوع‌هایی چون جهان‌های موازی، تکرار تجربیات روزمره زندگی در قالب آنچه اصطلاحاً «دژاوو» خوانده می‌شود و روایت غیرخطی اما دایره‌وار در قالب خرده‌داستان‌هایی نه‌چندان مرتبط با یکدیگر مجموعه‌ای است که در کنار یکدیگر چیده شده تا تجربه تماشای «ماهی و گربه» را به یک تجربه ماندگار در ذهن تبدیل



کند. «ماهی و گربه» از آن دست فیلم‌هاست که به راحتی پس از پایان در ذهن تماشاگر ادامه می‌یابد و با تکیه بر تئوری خوانش‌های گوناگون مخاطبان از یک متن واحد، به نوعی از بسط‌مدرنیزم در سینما دست می‌یابد که کمتر مورد توجه تئورسین‌های سینمای ایران قرار گرفته است.

«ماهی و گربه» فیلمی شاخص و تجربه‌ای نوین است اما خالی از ضفف هم نیست. حلقه‌های ارتباطی میان خرده‌داستان‌های پرشمار فیلم ضعیف‌ند و تماشاگر علاقه‌مند به سینمای قصه‌گور را سردرگم می‌کنند. به‌ویژه آنکه تماشا و درک تمامی مفاهیم نهفته در فیلم تمرکز ویژه‌ای را می‌طلبد که در فضای سالن‌های سینمای ایران و با ذهن آشفته و بی‌تمرکز مخاطب عادت‌کرده به قصه‌گویی سراسرت کار دشواری است. اما سویی دیگر ماجرا این است که مشخصاً ارتباط منطقی میان خرده‌داستان‌هایی که پیایی روایت می‌شوند، یافت نمی‌شود و هر یک از خرده‌داستان‌ها، حتی آنها که در رفت و برگشت‌های متوالی روایتی تکراری می‌شوند، ساز مستقل و جداگانه‌ای می‌نوازند. بازی‌های بازیگران اغلب جوان و کم‌تجربه فیلم نیز یک‌دست نیست و تردید و کنای آزاددهنده‌ای در کنش‌های آنها دیده می‌شود. صرف‌نظر از شخصیت صاحبان رستوران (که بابک کریمی، سعید ابراهیمی‌فر و خسرو شهرزاد آن نقش‌ها را برعهده دارند) بقیه بازیگران جوان و کم‌تجربه بازی‌های ضعیفی ارائه داده‌اند. درست‌است که فیلم آنتیکای روی بازی‌ها و شخصیت‌پردازی ندارد و بیشتر یک تجربه فرم‌گراست اما ضعف بازی‌ها و مرد بودن بازیگران در کنش‌ها و ادای دیالوگ‌ها ارتباط ذهنی مخاطب با فیلم را قطع می‌کند و حواس او را به چیزهایی به جز فرم و ساختار دقیق و مهندسی‌شده فیلم سوق می‌دهد. نکته‌ای که قطعاً مکرری به دنبال آن نبوده و دشواری اجرای یک برداشت طولانی بدون کات، او را از پرداخت بیشتر بازی‌ها و توجه افزون‌تر به کیفیت حضور آدم‌ها جلوی پررنگ داستانی، تجربه‌ای آزارشمند و قابل‌اعتناست.

یکی از معضلات جدی سینمای ایران عدم‌هماهنگی و توازن میان فرم و محتواست ولی مکرری به‌رغم فرم دشوار و پیچیده‌ای که برای فیلم خود در نظر گرفته نتوانسته محتوای نه‌چندان منسجم متن خود را به اختیار فرم درآورد که به‌رغم پاره‌ای کاستی‌های روایت و انسجام در گذشتش پررنگ داستانی، تجربه‌ای آزارشمند و قابل‌اعتناست. فرم ساختاری «ماهی و گربه» در یک هندسه دوار و توالی و تکرار و تالاقی‌های مداوم که با درون‌مایه‌ای سیال و فضا‌سازی‌های ویژه در مفاهیمی چون عشق، سیاست، جنایت و هراس پیش می‌رود کار فیلمساز را به نبردی دشوار و نابرابر برای حفظ سیرجان همه این عوامل بدل کرده که مکرری با موفقیت از این چالش دشوار بیرون آمده است. با تمام این تفاسیل به نظر می‌رسد مکرری در زمینه اجرای فرم‌های نامتعارف و طراحی و محاسبه دقیق موقعیت‌هایی که به لحاظ ریاضی صاحب منطق درستی هستند به پختگی و تسلط کامل رسیده است. به همین دلیل «ماهی و گربه» به یک فیلم متفاوت و جدی و تأثیر‌گذار در سینمای ایران تبدیل می‌شود.